

مناسبت های مذهبی ماه شوال

اول شوال: ۱. عید سعید فطر ۲. به درک واصل شدن عمرو بن عاص در سال ۴۱ هـ. ق سوم شوال: به درک رسیدن متوکل عباسی قاتل امام هادی (علیه السلام) و کسی که دستور تخریب مرقده سید الشهداء را داد در سال ۲۴۷ هـ. ق پنجم شوال: ۱. ورود مسلم بن عقیل به کوفه و آغاز بیعت کردن مردم با او در سال ۶۰ هـ. ق ۲. حرکت علی (علیه السلام) برای جنگ صفین علیه معاویه سال ۳۶ هـ. ق ششم شوال: اولین توقیع امام عصر (عج) برای حسین بن روح به عنوان سومین نایب ایشان در سال ۳۰۵ هـ. ق هشتم شوال: تخریب حرم ائمه بقیع به دست وهابیان عربستان در سال ۱۳۴۴ هـ. ق چهاردهم شوال: به درک واصل شدن عبدالملک بن مروان در سال ۸۶ هـ. ق پانزدهم شوال: ۱. وفات عبدالعظیم حسنی در سال ۲۵۲ هـ. ق ۲. بیرون راندن یهودیان از مدینه در غزوه بنی قینقاع توسط پیامبر (ص) ۳. آغاز غزوه أحد ۴. شهادت امام صادق (علیه السلام) به روایتی هفدهم شوال: ۱. جنگ اُحد و شهادت حضرت (علیه السلام) حمزه به روایتی ۲. شهادت اباصلت خادم امام رضا (علیه السلام) در زندان مأمون ۳. آغاز جنگ خندق در سال پنجم هجرت (احزاب) بیستم شوال: دستگیری امام کاظم (علیه السلام) و انتقال آن حضرت از مدینه به بغداد بیستم و سوم شوال: افتادن حضرت یونس (علیه السلام) در شکم ماهی بیستم و پنجم شوال: شهادت امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۴۸ هـ. ق به دست منصور عباسی به روایت مشهور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جرعه های معرفت

شماره ۱۲ - شوال سال ۱۴۳۵

این ویژه نامه شامل مناسبت های زیر و چند مطلب دیگر است:

- ☆ تخریب قبور حرم ائمه بتبع علمیم السلام
- ☆ وفات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام
- ☆ شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام
- ☆ شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

۵ - بصیرت مداحی: مراجعین به سایت در بخش بصیرت مداحی از سه بخش احادیث، منویات بزرگان دین و پیوند ها بهره خواهند برد.

الف: بخش احادیث: با عنایت به اینکه طبق نظرات ارزشمند و راه گشای علما و بزرگان دین و همچنین اصول مداحی؛ لازم است هیچ منبر مداحی بی بهره از احادیث اهل بیت نباشد، سعی شده در این بخش احادیثی معتبر که در مداحی ها هم بسیار کاربرد دارد همچون آداب و ثوابهای عزاداری اهل بیت یا احادیث اخلاقی و ... با ذکر اسناد آن در اختیار مراجعین به این بخش قرار داده شود. که بعضی از این احادیث همراه با اشعار ترجمه برگردان آن احادیث است.

ب: منویات بزرگان: مادحین گرانقدر با توجه به اهمیت و حساسیت وظیفه مهم و سنگینی که بر عهده دارند لازم است همواره این بیت را نصب العین خود قرار دهند که: « طی این مرحله بی مهری خضر مکن * ظلمات است و بترس از خطر گمراهی » لذا بر همه ما واجب است همواره از رهنمود ها و ارشادات مراجع عظام تقلید؛ علما و محققین دین بهره جسته و بر آن اساس حرکت کنیم که در این بخش رهنمودهای آن بزرگواران به مداحان عزیز جمع آوری و در تقسیم بندی موضوعی در دسترس شما عزیزان قرار گرفته است.

ج: پیوند ها: به منظور بهره مندی از تلاش دیگر عزیزانی که در این عرصه فعالیت دارند و به منظور کمک به شما در صرفه جویی از وقت و جلوگیری از مراجعه به سایت های مختلف که موجب بطلان وقت می شود؛ بعضی از سایت ها همچون سایت مقام معظم رهبری و بعضی از مراجع عظام تقلید، سایت قرآنی تنزیل و ... به عنوان لینک بر روی سایت قرار داده شده است تا مراجعین محترم به سایت در صورت تمایل از مطالب آن سایت ها نیز بهره مند شوند.

سنگین، متین و متناسب با محتوایی باشد که شما دارید عرضه میکنید؛ خدای نکرده به سمت آهنگهای حرام و آهنگهایی که گناه است، سوق پیدا نکند.

۷ - نکته ی دیگری که این محتواها را محتوایی قرار بدهید که مخاطب شما استفاده کند؛ یا یک منقبت قابل فهمی، یا یک فضیلت برانگیزاننده ای از اهل بیت (علیهم السلام) باشد که اعتقاد و ایمان انسان را محکم کند.

۸ - مبادا در حرف و منبر و تبلیغ شما حرف سست، بی منطق و ثابت نشده ای وجود داشته باشد ... یک وقت هست که یک چیزی دور از ذهن مخاطب است، که باورش برای او مشکل است، این را نباید بگوییم. حتی آنچه در بعضی کتاب ها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی نیست؛ اینها را باید شناخت و جدا کرد.

۹ - شعری که الان برادرمان خواندند، مضمون درستی نیست که ما بگوییم چون شیعه و محب هستیم، اگر گناه هم کردیم، خدای متعال ما را مجازات نمی کند؛ نه، این طور نیست.

۱۰ - شعری شما بخوانید؛ ولو لفظ هم لفظ خوبی باشد، راجع به حضرت زهرا (س) هم باشد، اما چیزهایی باشد که مستمع هیچ استفاده از او نمیتواند بکند؛ نه معرفتش نسبت به آن بزرگوار بیشتر میشود، نه از مقامات توحیدی او چیزی میفهمد، نه از مجاهدت او چیزی میفهمد، نه از رفتار و سبیه ی آن بزرگوار که درس است چیزی میفهمد، اشکال خواهد داشت. وقتی شعر را میخوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمیخوانیم؛ هر جور خواندنی را انتخاب نمیکنیم؛ جوری میخوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب.

«بیانات معظم له در تاریخ های ۸۲/۵/۲۸، ۸۳/۴/۱۴، ۸۹/۳/۱۳، ۱۳۹۰/۳/۳»

بصیرت مداحی؛ در توصیف

درد و شماره قبل بنا به پیشنهاد بعضی از دوستان بعضی از رهنمود های مقام عظمای ولایت را بطور تیتروار و خلاصه ذکر کردیم که مورد استقبال واقع گردید، در ادامه تعداد دیگری از این منویات ذکر میشود.

- ۱- بارها توی همین جلسه به شما مداحهای عزیز عرض کردیم، جاهای دیگر هم گفتیم که در مرتبه خوانی بایستی به صدق واقعه پایبند بود.
- ۲- درست است که شما میخواهید مستمع خودتان را بگریانید، اما این گریاندن را به وسیله هنرنمایی در کیفیت بیان واقعه تأمین کنید، نه در ذکر واقعه‌ای که اصل ندارد.
- ۳- شعر خوب، شعر پرمغز و البته شعر زیبا را نتخاب و اجرا کنید هر بافته‌ی نظمی، شعر نیست؛ شعر خصوصیات خودش را دارد.
- ۴- من با این که در منبرهای مداحی، هی تعرض به این، بدگویی به آن بشود، موافق نیستم.
- ۵- اینکه آقایان مداحها اصرار میکنند که بلند گریه کنید، لزومی ندارد؛ خوب، آرام گریه کنید. وقتی میخواهند سینه بزنند، اصرار بر اینکه «صدا، صدای این جمعیت نیست»؛ یا وقتی مردم میخواهند صلوات بفرستند، اصرار بر اینکه «صلوات، صلوات این جمعیت نیست!» شما بخواهید مردم صلوات بفرستند، ولو توی دلشان. گرم شدن مجلس به این شیوه‌ها، اصل نیست.
- ۶- بعضی از آهنگهایی هم که انسان گوشه و کنار می شنود، آهنگهای مناسبی نیست؛ حالا گیرم که چهار نفر را هم جذب کند. نه، آهنگ باید

۶- گالری: از جمله بخش های جذاب و مفروح سایت بخش گالری آن است که از سه بخش **الف:** تصاویر **ب:** صوتی **ج:** ویدئویی تشکیل شده است. در بخش تصاویر این قسمت شاهد عکس هایی بسیار زیبا از حرم ائمه، طرح های گرافیکی مذهبی، مناظر بکر طبیعت، شهرها و ... هستید و بطور رایگان میتوان آنها را دانلود کرد. در بخش صوتی نیز فایل های صوتی از مداحی ها، سخنرانی ها و ... استانی و کشوری که مستند بوده و دارای بار آموزشی هستند، قرار داده می شود تا مداحان محترم بطور رایگان آن را دانلود کرده و بهره ببرند. لازم به ذکر است است در بحث فایل های صوتی به غیر از بخش صوتی گالری؛ این امکان در نظر گرفته شده است که در بخش اشعار نیز؛ آهنگ و سبک سرود ها، اشعار سینه زنی و زمزمه خوانی ها در اختیار مراجعین محترم سایت قرار بگیرد تا سبک ها را به همراه اشعار آن دریافت کنند.

در بخش ویدئویی گالری نیز همچون بخش صوتی فایل هایی با همان تقسیم بندی و موضوعیت قرار داده خواهد شد.

فراخوان دعوت به همگاری

همانگونه که مستحضر شدید سایت آستان وصال بطور گسترده در بخش های مختلف مورد نیاز مداحان به ارائه مطالب علمی و مستند پرداخته و برای هر چه پربار تر شدن سایت از کلیه عزیزان مداح، شاعر و محقق که ۱- تمایل ۲- توانایی لازم را دارند، بنا بر دستور دینی « زکاة العلم نشره » دعوت می کنیم تا در این امر خطیر ما را یاری فرمایند و در اجر و ثواب برپایی هر چه بهتر مجالس اهل بیت که مورد تایید حضرات معصومین است سهیم گردند (التماس دعا)

محمد کاظمی نیا مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
بی تو گذشت آن هیجانی که داشتیم
آن عشق پر شرار نهانی که داشتیم
روزی ما نبود ببینیم شاه را...
ناکام ماند عمر جوانی که داشتیم
دارد به سمت قبر مرا می کشد کسی...
طی شد بدون یار زمانی که داشتیم
حتی "دعای عهد" مرا با وفا نکرد
سمت گناه رفت، توانی که داشتیم
از بس زبانتان به دعای تو لب نزد
"لکننت گرفت بی تو زبانی که داشتیم"
از بس گناه روی دلم را سیاه کرد
پنهان شد آن عیار عیانی که داشتیم
این گرگ نفس آمد و ما را به خاک زد-
با دوری از حضور شبانی که داشتیم
بی تو چقدر زندگی ما تباه شد
مرداب شد همین جریانی که داشتیم
با دوری از تو عمر به دردی نمی خورد
آجر شده است لقمه ی نانی که داشتیم

سید مجتبی شجاع مفعول مفاعلن مفاعیلن فع
هر راه به جز راه تو کج خواهد شد بی لطف تو آسمان فلج خواهد شد
ما منتظران اگر بخواهیم همه امسال همان سال فرج خواهد شد
تکیه به وفای ما نکن آقا جا گریه تو برای ما نکن آقا جان
بهر فرجت خودت بیا کاری کن دل خوش به دعای ما مکن آقا جان

هر کس قدمی بهر خدا بر دارد آینه سینه اش جلا بر دارد
من معتقدم یوسف زهرا آید گر فاطمه دستی به دعا بر دارد

۴- آموزش: در بخش آموزش سه زیر مجموعه گنجانده شده است:

الف: آموزش قرآن: در این بخش مباحث تخصصی رو خوانی، روان خوانی، تجوید، صوت و لحن، نغمات قرآنی و نکات و اطلاعات قرآنی قرار داده شده تا مداحان گرانقدری که تمایل دارند آشنایی بیشتر و تخصصی تر در زمینه علوم قرآنی داشته باشند با استفاده از مباحث این بخش به آن امر مهم و حیاتی مسلط شوند.

ب: آموزش احکام: آشنایی و تسلط بر احکام شرعی یکی از مهم ترین مطالبی است که مداحان گرانقدر باید با آن آشنا بوده و تسلط داشته باشند علی الخوص احکام مربوط به هیأت و عزاداری، لذا سعی شده در این بخش فتاوی مراجع مختلف عظام برای مطالعه و بهره گیری لازم در اختیار مراجعه کنندگان محترم به سایت قرار داده شود.

ج: آموزش مداحی: در این بخش نیز مباحث تئوری و عملی در بحث اصول و فنون مداحی در اختیار مداحان عزیز قرار میگیرد تا بهره لازم را از آن مباحث داشته باشند. همچنین فایل های صوتی آموزش نغمات و گوشه های دستگاه های موسیقی جهت آشنایی و تسلط نسبی شما مادحین به این علم مهم در اختیار شما قرار داده خواهد شد.

سنجش مداحی: یکی از قسمت هایی که قرار است در آینده نزدیک به بخش آموزش مداحی افزوده شود سنجش مداحی است؛ به این صورت که افراد مراجعه کننده به سایت فایل صوتی خواندن خود را بر روی سایت قرار می دهند؛ سپس توسط کارشناسان مربوطه این خواندن از لحاظ شعر، اصول فنون مداحی، دستگاه های موسیقی و روایت تاریخی مورد بررسی و نقد قرار گرفته و نظرات تخصصی به او ارائه می شود.

۲- روایت تاریخی: این بخش نیز از سه زیر مجموعه الف: ولادت ائمه ب: شهادت ائمه ج: شهید و شهادت تشکیل میگردد. در دو بخش اول روایت های مستند و صحیح مربوط به ولادت و شهادت اهل بیت بطور جداگانه و با قابلیت جستجوی موضوعی از کتب معتبر و مرجع با ذکر اسناد آن قرار داده شده است بطوریکه مداحان گرانقدر می توانند هنگام مراجعه به سایت در مناسبت های مختلف در کنار انتخاب اشعار مناسب و قوی؛ روایت های مرتبط با آن را نیز انتخاب کرده و دیگر نیازی به مراجعه به کتب مختلف نداشته باشند. یکی دیگر از زیر شاخه های این بخش شهید و شهادت است که در آن قسمت زندگی نامه، وصیت نامه و خاطرات شهدای علی الخصوص شهدای مداح قرار داده شده است.

۳- کتاب: این بخش نیز از چهار زیر مجموعه تشکیل می شود. **الف: دانلود کتاب:** در بخش دانلود کتاب هم اکنون کتابهای معتبر زیادی همچون لهوف، ارشاد، کامل الزیارات، مجلدات مختلف زندگی اهل بیت در بحارالانوار، مقتل سیدالشهدا، مقتل مقرر، تفسیر زیارت جامعه، دعا و ادعیه، کتب شعر و ... قرار داده شده است بطوریکه در مورد هریک از معصومین حداقل یک یا چند کتاب تخصصی معتبر موجود است که مراجعین به سایت به راحتی و بطور رایگان می توانند این کتب را دانلود نمایند، قرار است هر ماه چند جلد کتاب جدید که مورد نیاز مداحان و شعرای گرامی است به کتب موجود افزوده شود **ب: معرفی کتاب:** در این قسمت نیز با استفاده از منابع تحقیقی معتبر ضمن معرفی کتب موجود در زمینه مداحی به بررسی اهمیت و جایگاه کتاب و نویسنده آن، منابع و شیوه تالیف، انگیزه مؤلف، ویژگیهای آن کتاب و پرداخته شده است **ج: گزیده کتاب:** در این قسمت نیز بخش های مهم بعضی از کتب معتبر، قرار داده شده است. **د: ماهنامه:** در این بخش ماهنامه جرعه های معرفت در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

حسین ایزدی مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن
بین من و تو، جز من من فاصله ای نیست
تو پیش منی، من ز تو دورم، گله ای نیست
ما مدعی و نفس پرستیم و صد افسوس
در خیل مریدان که دل یکدله ای نیست
یا بند شد آن کس که ز کوی تو گذر کرد
با اینکه در خانه ی تو سلسله ای نیست
با خون دل از دوری تو سراز بسازیم
و آن نغمه نوازیم که در چلچله ای نیست
«ما از تو نداریم به غیر از تو تمنا»
چون در وصال تو که ما را صله ای نیست

علی ناظمی مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
بوی ظهور می رسد از کوچه های ما
نزدیک تر شده به اجابت دعای ما
دیگر دو بال آرزوی ما شکسته است
از انتظار پر شده حال و هوای ما
این هفته هم سه شنبه شب جمکران گذشت
پاسخ نداشت این همه، آقا بیای ما
ما از ندیدنت بخدا شکوه می کنیم
ای امتداد هرشب یا ربنا ی ما
این پنج روزه نوبت ما، کاش با تو بود
بر روی رد پای تو می بود پای ما
یک جمعه گریه های تو را درک می کنیم
عجل، امام منتقم کربلای ما

سید مجتبی شجاع مفعول مفاعلن مفاعیلن فع
گر عفو کنی یا نکنی حق داری
گر نامه ام امضا نکنی حق داری
با این همه عصیان و خطاکاری ما
گر چهره هویدا نکنی حق داری

گل شد، بر آمد پیکرم، آهسته آهسته شعر شهید و شهادت و مناجات
انگار دارم می برم آهسته آهسته
انگشترم، مهرم، پلاکم، چفیه ام، عطرم
پیدا شد از دور و برم آهسته آهسته
آهسته آهسته سرم از خاک می روید
از خاک می روید سرم آهسته آهسته
جز نیمه ای از من نمی یابید، روزی سوخت
در شعله نیم دیگرم آهسته آهسته
امروز بعد از سال ها زاییده خواهد شد
قفتوس از خاکسترم آهسته آهسته
خوابیده ام بر شانه ها و می برندم ... نه
تابوت را من می برم آهسته آهسته
آن پیرزن، این زن به چشم آشنا هستند
دارم به جا می آورم آهسته آهسته
خواندم: پدر خالی است جایش این خبر می ریخت
از چشم های خواهرم آهسته آهسته
دیگر برای آستین بالا زدن دیر است
این را بگو با مادرم آهسته آهسته

محمد فردوسی مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

وقت جدایی من و ماه صیام شد
یعنی غروب طلعت این بار عام شد
دارد بساط ماه خدا جمع می شود
آه درون سینه ی ما مستدام شد
توشه برای روز جزا بر نداشتم
فرصت گذشت و خوشه عمرم تمام شد
یادش به خیر، سوز مناجات نیمه شب
وقتی که با خدا دل ما هم کلام شد
نام حسین بر لب ما التزام شد
اشکم روان و ذکر لبم السلام شد
وای از دمی که خنده جانسوز کوفیان
بر زخم بی شمار تنش التیام شد
هر کس به نوبه خودش از او بها گرفت
وقتی میان قتلگش از دحام شد

سعید طلائی مفعول مفاعیل مفاعیل فعلن
فکرم همه جا هست، ولی پیش خدا نیست
سجاده ی زر دوز که محراب دعا نیست!
گفتند سر سجده کجا رفته حواست؟
اندیشه سیال من، ای دوست، کجا نیست؟!
از شدت اخلاص من عالم شده حیران
تعریف نباشد، ابدأ قصد ربا نیست!
از کمیّت کار که هر روز سه وعده
از کیفیتش نیز همین بس که قضا نیست
یک ذره فقط کندتر از سرعت نور است
هر رکعت من حائز عنوان جهانی ست!
این سجده سهو است؟ و یا رکعت آخر؟
چندی ست که این حافظه در خدمت ما نیست
ای دلبر من! تا غم وام است و تورم
محراب به یاد خم ابروی شما نیست
بی دغدغه یک سجده راحت نتوان کرد
تا فکر من از قسط عقب مانده جدا نیست
هر سکه که دادند دوتا سکه گرفتند
گفتند که این بهره بانکی ست، ربا نیست!
از بس که پی نیم وجب نان حلالیم
در سجده ما رونق اگر هست، صفا نیست
به به، چه نمازی ست! همین است که گویند
راه شعرا دور ز راه عرفا نیست!

موسی علیمردانی مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

ای دل به دست موج هوس هر طرف مرو
با این حباب در پی کسب شرف مرو
چشم کریم مانده به راحت که در زنی
بیهوده پس به این طرف و آن طرف مرو
هرجا که بنگری سخن از روی بار ماست
قبله یکیست هر طرفی بی هدف مرو
دنیا محل خوف و رجای قیامت است
بی غصه هیچ جا بی شور و شفع مرو
گنجینه میان جهان عشق حیدر است
بی عشق مرتضی بی صید صدف مرو
ایل تو سائل علی و راهشان علی است
در سائلی خلف شو ولی نا خلف مرو
گر طالبی به چشم ببینی بهشت را
جایی به غیر مرقد شاه نجف مرو

محمود ژولیده مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

ای دیده ها به سوی تو یا صاحب الزمان
از غصه فراق تو الغوث و الامان
حالا که دشمن از غم ما شاد می شود
وقت است تا به شیعه کنی روی خود عیان
از کعبه باز آی و ز رخ پرده را بگیر
آحاب را به یاری دین خدا بخوان
هرگز نبوده رسم تو راندن ز کوی خود
هرگز نبوده رسم تو تنبیه دوستان
دست مرا ز دست عطایت جدا مکن
تا روز حشر سایه بالا سرم بمان
آلوده ای چو من ، که شود نوکر شما
آقایی تو را به همه می دهد نشان
ما که ندیده عاشق روی شما شدیم
این هم کرامتی است از آن چهره نهان
آیا مرا بحال خودم وا گذاشتی
گیرم غلام کوی تو بد داده امتحان
عمری است این گدا سر کویت نشسته است
سائل به همنشینی تو هست ، خوش گمان
گاهی که خسته بر سر من ، دست می کشی
پرواز می دهی دل و جان را به بی کران
گاهی مدینه می بری و گاه کربلا
قربان غصه های تو یا صاحب الزمان

سید مجتبی شجاع مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع

عمری که تباه می کنم می بینی لب را که پر آه می کنم می بینی
مردم ز خجالت چو شنیدم آقا وقتی که گناه می کنم می بینی
دل یاور و غم گسارتان می ماند پروانه بی قراران می ماند
فرمود پیامبر افضل اعمال است هر کس که در انتظاران می ماند

معرفی سایت آستان وصال

سایت تخصصی آستان وصال یکی از تخصصی ترین و جامع ترین سایت های فعال در عرصه علوم مرتبط با مداحی است که توسط جمعی از مداحان بسیجی همدان راه اندازی و اداره می شود و همین ویژه نامه (جرعه های معرفت) نیز بر روی این سایت گذاشته می شود. کلیه افراد مراجعه کننده به سایت می توانند از تمامی بخش های سایت بهره مند شود ولی چنانچه مایل باشند مطالبی را در سایت درج کنند لازم ابتدا در سایت عضو شده سپس به بارگذاری مطالب بپردازند. در زیر به تشریح بخش ها و ویژگی های این سایت می پردازیم.

۱- اشعار: این بخش از سایت شامل دو بخش می باشد.

الف: درج اشعار مذهبی: در این سایت سعی شده بر خلاف بعضی از سایت ها و وبلاک های شعر آئینی؛ در انتخاب و درج اشعار دقت نظر بیشتر و کاملا تخصصی مد نظر قرار بگیرد. به همین دلیل اشعار انتخاب شده یا رسیده در دو مرحله توسط کارشناسان زنده مورد بازبینی دقیق کارشناسی قرار گرفته و ضمن نقد اشعار، اغلاط احتمالی آن در قسمت پایانی درج اشعار « قسمت نقد شعر » مورد بررسی قرار گرفته و ابیات اصلاحی جایگزین به عنوان پیشنهاد ارائه گردیده است. در بحث نقد شعر سه عنصر **۱-** صنایع لفظی و معنوی صنعت شعر **۲-** مبانی اعتقادی و امام شناسی **۳-** مطابقت با روایت های تاریخی صحیح، مد نظر قرار می گیرد. تا مداحان عزیز با خاطری آسوده به ارائه اشعار در مجالس بپردازند. در این قسمت ویژگی های دیگری چون رتبه و امتیاز شعر، قالب، سبک و وزن اشعار برای آگاهی مداحان گرانقدر درج میشود.

ب: بحث آموزش اشعار که در این قسمت متون تخصصی، ردیف و قافیه ، قالب های شعر فارسی، اوزان اشعار و ... برای مداحان و شعرا ی عزیز قرار داده شده است تا از این مباحث نیز بهره لازم را ببرند.

تخریب حرم ائمه قبیع: هشتم شوال امسال، هشتاد و هشتمین

(۸۸) سالگرد تخریب قبورائمه قبیع درسال ۱۳۴۴هجری قمری توسط وهابیت است و هر ساله در این روز ضمن برپایی مراسم هایی این اقدام ضد دین را محکوم میکنیم ، اما واقعیت امر این است که سابقه این جنایت به ۲۱۲ سال پیش باز میگردد. آری نخستین تخریب قبور ائمه قبیع در سال ۱۲۲۰ هجری یعنی زمان سقوط دولت اول سعودی ها توسط حکومت عثمانی روی داد، پس ازاین واقعه تلخ- با همت و سرمایه گذاری شیعیان و به کار بردن امکانات ویژه ای، مراقد تخریب شده به زیباترین شکل ممکن بازسازی شد و با ساخت گنبد و مسجد، قبیع به یکی از زیباترین مراقد زیارتی زمان خویش تبدیل شد. و شاید این بازسازی عامل شده است که این نوبت از جنایت بی شرمانه به فراموشی سپرده شده و کمتر از آن یاد شود.

اما دومین و در واقع دردناک ترین جنایت در قبیع در روز هشتم شوال سال ۱۳۴۴ و پس از روی کار آمدن سومین حکومت وهابی عربستان رقم خورد ؛ در ماه شوال آن سال پس از اشغال مکه ، وهابیان به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود روی به مدینه آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر ، سرانجام آن را اشغال نموده ، مأمورین عثمانی را بیرون کردند و علاوه بر تخریب بارگاه امام حسن مجتبی (ع)، امام سجاد (ع)، امام محمدباقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) ؛ قبور منسوب به فاطمه زهرا (س)، عبدالله بن عبدالمطلب و آمنه پدر و مادر پیامبر اسلام، قبر مطهر فاطمه

کلینی و ابن بابویه و برقی و دیگران روایت کرده اند که چون هنگام شهادت آن حضرت شد، دیده های خود را گشود و فرمود: خویشان مرا جمع کنید، چون همه جمع شدند بسوی ایشان نظر کرد و فرمود: شفاعت ما نمی رسد به کسی که نماز را سبک شمارد و اعتنا به شأن آن ننماید « ثواب الاعمال ۲۷۲. » سپس ضمن سفارش به صلح رحم و نیکی به پدر و مادر فرمود: حق تعالی بهشت را را خوشبو گردانید، بطوریکه بوی آن تا دو هزار سال راه می رسد اما این بوی به قطع کننده رحم و کسی که عاق پدر و مادر شده نمی رسد. « الغیبه، ص ۱۹۷ » ابن بابویه و دیگران گفته اند که: به امر منصور ملعون آن حضرت را به زهر شهید کردند، و گویند که: انگور زهرآلودی به آن حضرت خوراندند، و آن امام رفیع در قبرستان قبیع در جنب پدر بزرگوار خود مدفون گردید. « الارشاد ج ۲ ص ۱۸۰ »

حسن لطفی مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

آتش گرفته بار دگر آشیانه ات

چون شعله ها گرفته ام امشب بهانه ات
هر گوشه ای که مینگرم خاطرات توست
اینجا پُر است گوشه به گوشه نشانه ات
دیوار و دود و آتش و لبخندهای شوم
حالا شده ست خانه ی من روضه خانه ات
امشب که کودکان ز پی ام گریه میکنند
افتاده ام به یاد تو و نازدانه ات
یک سو تویی و عمه ام و گریه های او
یک سو کسی که باز زند تازیانه ات
آخر جدا شد از کف تو دامن علی
ای وای من شکسته مگر دست و شانه ات

آتش زدن خانه امام صادق (ع): منصور ملعون به حسن بن زید والی مدینه نامه فرستاد که : خانه جعفر بن محمد را آتش بزنی ، او نیز به درون خانه حضرت قطعه ای آتش انداخت و درب خانه و دالان آن آتش گرفت، امام صادق (ع) بر روی آتش راه می رفت و با گام های خود آتش را خاموش می کرد و میفرمود: من فرزند ابراهیم خلیل الرحمان هستم. « اصول کافی ج ۱ ص ۴۷۳ »

یوسف رحیمی مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن

پر از شمیم بهشت است منبرت آقا	به برکت نفعات معطرت آقا
هنوز عطر و شمیم محمدی دارد	گل دمیده ز لبهای آظهرت آقا
شبیه حضرت خاتم مدینه علمی	علوم می چکد از خاک معبرت آقا
چهار هزار حکیم و فقیه ودانشمند	رهین مکتب اندیشه گسرت آقا
اشاره های نگاهت زُراه می سازد	شنیدنی است کرامات محضرت آقا
و دیده ایم به وقت جهاد اندیشه	هزار مرتبه ما فتح خیبرت آقا
بین که شیعه صبح نگاه تو هستیم	در آسمان همیشه منورت آقا
هنوز شیعه و « قال الامام صادق » هست	کنار چشمه جاری کوثر آقا
سبد سبد گل لاله به باغ دل دارم	به احترام دل داغ پرورت آقا
نبود غیر گل آه و غنچه شیون	به باغ بغض گلوگیر حنجر آقا
مگر نه شیعه تو در تنور آتش رفت	چگونه سوخت بهشت معطرت آقا
در آن شبی که تو را پا برهنه می بردند	بهشت عاطفه ها بود پرپرت آقا
من از حضور شریفت اجازه می خواهم	که روضه خوان شوم امشب برابر آقا
اگر چه حرمتان را شکسته اند آن شب	نبسته اند ولی دست خواهرت آقا
چه خوب شد که نشد در مقابل چشمت	کبود ، چهره معصوم دخترت آقا
گل گلوئی تو را دشنه ای نبوسیده	و ماه نیزه نشینان نشد سرت آقا
به حرمت لب تو ، چوب پا نزد آنجا	و داغ نعل ندیده است پیکرت آقا

بنی‌ت‌اسد (س) مادر امیرالمومنین (ع)، قبر مطهر حضرت ام‌البنین(س)، قبرعباس عموی پیامبر، ابراهیم پسر پیامبر (ص)، قبر اسماعیل فرزند حضرت صادق (ع)،قبر دختر خواندگان پیامبر (ص)، قبر حلیمه سعديه مرضعه پیامبر (ص) و قبور شهدای زمان پیامبر (ص) را نیز وحشانه تخریب کردند. لازم به ذکر است که قبور چهار امام معصوم بر خلاف دیگر قبور مطهر از همان ابتدا در محوطه باز نبوده است بلکه از همان آغاز و زمان دفن در خانه ای که متعلق به عقیل بوده است دفن شده بودند و به مرور زمان این خانه به شکل مسجد و آرامگاه باز سازی شده بود که وهابیون افراطی با توجه به فتوای سران خود مبنی بر اهانت و تحقیر مقدسات شیعه، مراقد مطهر ائمه و اهل بیت پیامبر (ص) را مورد دومین هجوم وحشیانه خود قرار دادند و ضمن تخریب این بارگاه مقدس که به صورت هشت ضلعی ساخته شده بود ، ضریح و دیگر اشیاء قیمتی آن را به غارت برده و ضمن جسارت به ساحت مقدس ائمه، قبور آنان را نیز تخریب کردند که پس از آن این روز یوم الهمدم یعنی روز ویران کردن نام گرفت.

خوب است که ماه آسمانت باشی پروانه بی قرار جانت باشی
ای شیعه مراقبت کن از اعمالت تا زینت صاحب الزمانت باشی

عمری که تباه می کنم می بینی لب را که پر آه می کنم می بینی
مردم ز خجالت چو شنیدم آقا وقتی که گناه می کنم می بینی

محمد حسین رحیمیان مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

می سوخت بین شعله ها بال و پر تو
آتش نشد شرمنده از موی سر تو
با رفتن تو آسمان هم گریه می کرد
آن شب نبود عمامه ای روی سر تو
پای برهنه پشت یک مرکب دویدن
نگذاشت نایی در میان پیکر تو
دیدند خیلی داغدار کربلایی
شام غریبان شد به پا در محضر تو
جای هزاران سجده شکرانه دارد
خنجر نیامد بر ضریح حنجر تو

قاسم نعمتی مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن

منی که بر همه عالم گره گشا بودم
میان موج مصیبات مبتلا بودم
همیشه غفلت اصحاب دردسرساز است
به وقت فتنه چه بی یار و آشنا بودم
کنار منبر من مکتب جدید زدند
در آن غبار زمان چشمه هدی بودم
حقیقت همه قرآن میان قلب من است
منم که بر همه خلق رهنا بودم
شبی که از همه سو ریختند در خانه
فقط به یاد غریبی مرتضی بودم
همین که شعله آتش به دامنم افتاد
نفس نفس زدم و یاد خیمه ها بودم
اگر چه شکر خدا دختری نسوخت ولی
به یاد شام غریبان کربلا بودم
کمی ز روضه گودال بر سرم آمد
به گیسوان پریشان چو در نوا بودم
نخورد یک نوک نیزه به پیکرم اما
به یاد قاری بالای نیزه ها بودم

مهدی رحیمی فاعلاتن مفاعیلن فعلن

روزی اینجا بهار داشته است چار سنگ مزار داشته است
به حریمش پناه می برده هر که با هر که کار داشته است
مثل مشهد در این حرم زائر از خودش اختیار داشته است
شانه ی بی قرار لوزان و گونه ی آبدار داشته است
اشک با پلک، رو به روی ضریح آشکارا قرار داشته است
روزگاری به خادمی بقیع جبرئیل افتخار داشته است
روی زوار باز بوده حرم زائرش شوق یار داشته است
شاخه هایش به سنگ محکوم است هر درختی که بار داشته است
گیرم اینجا خراب هم باشد دائمآ آفتاب هم باشد
دل مهم است بین ما با قبر گیرم اصلاً طناب هم باشد
گاه مثل بقیع میبایست در زیارت شتاب هم باشد
این خودش باب رحمت است اگر زدن شیعه باب هم باشد
چون که ام‌البنین در این خاک است باید اینجا رباب هم باشد
باید اینجا شبیه کرب و بلا ناله ی آب آب هم باشد
باید اینجا حرم درست کنند چار تا مثل هم درست کنند
با امام حسن سزاوار است چند باب الکریم درست کنند
با طلا دور مرقد سجاده بیتی از محتشم درست کنند
به تولای باقر و صادق صحن دارالقلم درست کنند
نزد ام‌البنین نمادی از مشک و دست و علم درست کنند
دود مه نه در این مکان باید شاعران چاردم درست کنند
با کریمان "کریم خانی" ها قطعه ی "آدم" درست کنند
دور گنبد چهار گلدسته ولی از داغ خم درست کنند
کاش هر چیزی را نمی سازند کوچه را دست کم درست کنند
کوچه را در ادامه ی این طرح از حرم تا حرم درست کنند

مجید تال

از صفای ضریح دم نزنید
گریه های بلند ممنوع است
کربلا رفته ها! کنار بقیع
زائری خسته ام نگهبانان
زائری داد زد که نامردان

غریب ما بدون خاتمه است

مادر ما همیشه فاطمه است

کاش درهای صحن وا می شد
کاش با دست حضرت مهدی
کاش با نغمه حسین حسین
در کنار مزار ام بنین
پس بسازیم پنجره فولاد
چار تا گنبد طلائی رنگ

این بقیعی که این چنین خاکی ست

رشک پروانه های افلاکی ست

در هوایش ستاره می سوزد
هشت شوال آسمان لـرزید
بارگاه بقیع ویران شد
این حرم مثل چادر زهرا ست
این حرم مثل خیمه ی زینب
سال ها بعد قدری آن سوتر

فاعلاتن مفاعلن فعلن

حرفی از بیرق و علم نزنید
روضه که هیچ، سینه هم نزنید
حرفی از صحن و از حرم نزنید
به خدا زود می روم، نزنید
تازیانه به مادرم نزنید

شوق در سینه ها به پا می شد

این حرم نیز با صفا می شد

این حرم مثل کربلا بشود

طرحی از علقمه بنا بشود

هر قدر عقده هست وا بشود

چار تا مشهد الرضا بشود

سینه با هر نظاره می سوزد

دید صحن و مناره می سوزد

دل بی راه و چاره می سوزد

که در این جا دوباره می سوزد

که در اوج شراره می سوزد

چند قرآن پاره می سوزد

یوسف رحیمی

مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن
غروب سرخ نگاهش به رنگ ماتم بود
غریب شهر خودش نه ، غریب عالم بود
چقدر روضه کرب و بلا بیا می داشت
به روی سر در خانه همیشه پرچم بود
اگر چه زخم جگر تازه می شد اما باز
برای داغ دلش روضه مثل مرهم بود
همیشه در وسط کوچه بنی هاشم
پر از تلاطم اشک مصیبت و غم بود
شبی که در تب آتش بهشت او می سوخت
شکسته قامت و آشفته حال و درهم بود
کبود زخم طناب و اسارت و غریب
چقدر در نظرش کربلا مجسم بود
خلاصه لحظه آخر ، زمان تدفینش
بساط غسل و بساط کفن فراهم بود
در آن زمان به خدا هر دلی پریشان
شهادت بی کفن وادی محرم بود
به زخم بیکر گل ، بوریا نمی پیچید
اگر که پیرهن پاره پاره ای هم بود

علی اکبر لطیفیان

همان امام غریبی که شانه اش خم بود
میان صحن حسینیه دو چشمانش
دل شکسته او را شکسته تر کردند
اگر تمام ملائک زگریه می مردند
حدیث حرمت او را به زیر پا بردند
شتاب مرکب و بند و تعلل پایش
امان نداشت که عمامه ای به سرگیرد

به روی شانه ی پیرش غم دو عالم بود
همیشه خاطره ی ظهر یک محرم بود
شبیبه مادر مظلومه اش پر از غم بود
به پای خانه آتش گرفته اش کم بود
اگر چه آبروی خاندان آدم بود
زمینه های زمین خوردنش فراهم بود
همان امام غریبی که شانه اش خم بود

وفات حضرت عبدالعظیم حسنی : نجاشی در کتاب رجال خود درباره نسب وی نوشته : هنگامی که جنازه او را برای غسل برهنه می کردند، در جیب لباسش نوشته ای پیدا شد که در آن، نسبش، این گونه نوشته شده بود: من ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب هستم. [رجال النجاشی: ج ۲، ص ۶۷، ش ۶۵۱] براساس این نسخه از رجال النجاشی، در نسب ایشان، میان وی و امام حسن، پنج نفر واسطه وجود دارد؛ لیکن در نسخه های معتبر این کتاب [معجم رجال الحدیث: ج ۱۰، ص ۴۶، میان «زید» - جد سوم وی - و امام حسن علیه السلام شخص دیگری واسطه نیست.

محقق بزرگ علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تاریخ ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی می نویسند: « بنا بر نقل کتاب الخصائص العظیمیه ولادت حضرت عبد العظیم علیه السلام در روز پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال ۱۷۳ ق در مدینه واقع شده است». پدرش عبدالله و مادرش فاطمه به پرورش و آموزش او اهتمام زیادی داشته اند. عمده دوران کودکی او به تعلیم قرآن و ممارست در معارف اهل بیت علیهم السلام سپری شد. مدت ۷۹ سال عمر با برکتش با دوران امامت چهار امام معصوم یعنی امام موسی کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام محمد تقی علیه السلام و امام علی علیه السلام مقارن بوده و محضر مبارک امام رضا علیه السلام، امام محمد تقی علیه السلام و امام هادی علیه السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است. اما در خصوص علت سفرش به شهر ری نوشته اند وی همواره به تحکیم جایگاه امامان معصوم و افشای ستم غاصبان حکومت اسلامی می پرداخت و در سخت ترین اوضاع به گسترش معارف اسلامی و نشر معارف اهل بیت مشغول بود و ارتباطش به امام را حفظ میکرد. لذا وقتی خلیفه عباسی امام هادی علیه السلام را زیر نظر گرفته و مانع ارتباط آن حضرت با مردم بود، حضرت عبدالعظیم به هر زحمتی که بود خود را به آن حضرت رساند تا عهده دار مسئولیت

وحیدمحمدی

مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن
باز از دعای مادر نام آشنای ما
امشب بساط روضه به پا شد برای ما
خون گریه می کنند تمام ستاره ها
همراه چشم های زمین پا به پای ما
از بوی دود و آتش کوچه مشخص است
بوی مدینه می دهد این گریه های ما
یک عده از سقیفه شبیه مغیره باز
خون کرده اند بر جگر مقتدای ما
یک پیرمرد پای پیاده! چه روضه ای!
خاکی به سر کنیم از این ماجرای ما
شیخ الانمه و سر عریان عجیب نیست؟
این ها شده است غصه ی بی انتهای ما

عالم ز آه ، تیره تر از صبح محشر است
خون جگر به دیده ی آل پیمبر است
شهر مدینه گشته عزا خانه ی وجود
گفتم چه روی داده که از خاطرم گذشت
امشب شب یتیمی موسی ابن جعفر است
گریند بر امام ششم هفت آسمان
درنه فلک قیامت عظمای دیگر است
جسمی که آب شد زجفا زیر خاک رفت
در قلب آب و خاک از این داغ آذر است
خواهی اگر که بوسه زنی بر مزار او
قبرش کنار تربت زهرای اطهر است
آتش زدند خانه او را حرامیان
این اجر خوبی پدر و ارث مادر است
جز تلّ خاک نیست نشانی از آن مزار
الحق که ننگ آل سعود ستمگر است
قامت خمیده تن شده مانند شمع آب
این شاهد جنایت منصور کافر است
بر او بریز اشک که این گریه نزد حق
با گریه بر حسین ثوابش برابر است

می دانی من در زمان بنی امیه که دشمن ترین خلق بودند برای ما و شما؛ و با آن آزارها که از آنان به ما و اهل بیت ما رسید این کار را نکردم و از من بدی به آنان نرسید، با شما چرا چنین کاری کنم، پس منصور ملعون که بر روی تکیه نمدی نشسته بود، ساعتی سر به زیر انداخت، و سپس گفت: دروغ می گوئی، دست در زیر تختش کرد و نامه های بسیار بیرون آورد و به نزدیک آن حضرت انداخت و گفت: این نامه های توست که به اهل خراسان نوشته ای که بیعت مرا بشکنند و با تو بیعت کنند، حضرت فرمود: به خدا سوگند که این سخن تهمت و افتراست و من این نامه ها را نوشته ام؛ آن ملعون شمشیرش را از غلاف کشید. ربیع گفت: چون دیدم که آن ملعون دست به شمشیر دراز کرد بر خود لرزیدم و یقین کردم که آن حضرت را شهید خواهد کرد، اما شمشیرش را دوباره در غلاف کرد چندین بار این کار را تکرار کرد و سپس گفت: راست می گوئی؛ سپس حضرت را تکریم فراوان کرد و به من گفت: بهترین اسبان مرا حاضر کن و جعفر را به منزلش برسان، در بین راه گفتم: یا بن رسول الله من متعجبم از آنچه اتفاق افتاد، و می دانم که این اثر آن دعا بود که بعد از نماز خواندی، و آن دعای دیگر که در ایوان تلاوت نمودی، حضرت فرمود که: بلی، دعای اول دعای کرب و شداید بود و دعای دوم دعائی بود که حضرت رسول ﷺ در روز احزاب خواند.

ربیع گوید در بازگشت موضوع را از منصور پرسیدم و او گفت: ای ربیع در وقتی که او را طلبیدم، مصر بودم بر قتل او و بر آنکه از او عذری قبول نکنم، اما وقتی شمشیر از غلاف کشیدم، پیامبر اکرم ﷺ برای من ظاهر شد و میان من و او حایل گردید، دستها گشوده بود و آستینهای خود را بالا زده بود و رو ترش کرده بود و چنان نزدیک من آمد که نزدیک شد که دست او به من برسد، به این جهت، از آن اراده برگشتم و او را اکرام کردم. «سید بن طاوس، مهج الدعوات، ص ۱۹۲»

از طرف امام هادی علیه السلام شود. چون متوکل این موضوع را شنید، دستور دستگیری آن حضرت را صادر کرد. در این زمان بود که حضرت عبدالعظیم علیه السلام مجبور به مهاجرت به ری می شود.

در قدر و منزلت او تنها به ذکر سه حدیث اشاره میکنیم ۱- ابن قولویه در کامل الزیارات (باب ۱۰۷ ص ۳۲۴) روایت کرده یکی از اهالی ری گفت به محضر امام هادی علیه السلام رسیدم؛ آن حضرت از من پرسید کجا بودی؟ عرض کردم به زیارت سید الشهدا علیه السلام رفته بودم آن حضرت فرمود بدان و آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم حسنی علیه السلام را که در نزد شماست زیارت کرده بودی مثل آنست که حضرت حسین ابن علی علیه السلام را در کربلا زیارت کرده باشی. ۲- حضرت امام هادی علیه السلام نیز میفرمایند: هر کس قبر ابوالقاسم [حضرت عبدالعظیم] را در ری (با شروط آن) زیارت کند، خداوند پاداش او را بهشت قرار می دهد. «مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۶۱۴» ۳- امام هادی علیه السلام به حماد رازی فرمودند: هرگاه در قلمرو خود در کار دین به مشکلی دچار شدی، آن را با عبد العظیم حسنی در میان بگذار «مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۱»

حضرت عبدالعظیم با آنکه پیش از امام هادی علیه السلام محضر امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده بود؛ اما برای تحصیل اطمینان از ادامه سلامت عقایدش به محضر امام هادی علیه السلام عرض می کند: «ای پسر پیامبر صلی الله علیه و آله، بسیار علاقمندم که عقاید دینی ام را خدمت شما بیان کنم تا چنانچه عقاید و افکارم مورد تأیید شماست بر آن استوار باشم و گرنه آن چنان که شایسته است آنها را اصلاح نمایم». آن گاه تک تک مسائل اعتقادی خود را در زمینه توحید، نبوت، امامت، معاد و غیر آن را توضیح می دهد. وقتی سخنانش به پایان می رسد امام هادی علیه السلام می فرماید: «ای ابوالقاسم، به خدا سوگند، اعتقاداتی که عرضه کردی مبانی واقعی دین الهی است. بر این اعتقادات ثابت قدم باش...».

علی اکبر لطیفیان مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن
گمان نمی کنم این روح پیکرم باشد
تنی که مُثله شده در برابرم باشد
گمان نمی کنم این تکه های پخش شده
همان عمومی رشید پیمبرم باشد
بدن مگر بدن کیست این چنین شده است؟
اگر خدای نکرده برادرم باشد!...
فدای خواهر مظلومه ای که نالان گفت
کنار کشته گودال مو پریشان گفت:
گمان نمی کنم این زیر نیزه افتاده
حسین فاطمه یعنی برادرم باشد
تو را خدا بگذارد بوسه اش بزنم
که قول می دهم این بار آخرم باشد
کفن که نیست عبا نیست، بوریا هم نیست؟!
مخواه بی کفن این مرد محترم باشد
برای آن که روی پیکرش بیاندازم
نمی شود بگذارد معجزم باشد؟

علی اکبر لطیفیان مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن
برای اوج نوشتند بال وا شده را
تو همزه اُحد و حمزه اُحد هستی
قسم به حرمت جعفر تو نیز طیباری
خودی شکستی و آوازه ات فراتر رفت
تو ایستاده ای و ایستاده می مانی
به بازویت "اسد اللّٰهی" علی وصل است
به روی خاکی و پیغمبر خدا مانده است
کفن که بر تن تو کرد، گریه کردو نشست
خدا به خواهر غمدیده تو رحم کند
نزل نیست، به معراج آشنا شده را
چگونه شرح دهم جلوه دو تا شده را
قفس چگونه بگیرد تن رها شده را
خدا بلند کند خاک مصطفی شده را
شکست نیست، به دست نبی بنا شده را
سپاه نیست جلودار، مرتضی شده را
چگونه جمع کند این جدا جدا شده را
کنار پیکر تو دید بوریا شده را
اگر نگاه کند جسم جا به جا شده را

ای فرستاده رسول الله
تویی آن یار بی قرین دلم
با علی عهد عشق بستنی تو
بشنو این درد دل ز نوکر خود
چه بگویم که قوم نامردان
وای بر ما بر سرشک دو عین
آری این است با تو درد دلم
جانب خون بهای ثارالله
هر شب جمعه هم نشین دلم
سفره دار کمیل هستی تو
نوکر بی قرار و مضطر خود
ملک ما را فروختند چه گران
قیمت خاک ماست خون حسین
تا قیامت ز مادرت خجلم

محمد جواد غفور زاده مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
از بوستان فاطمه، عطر و شمیم داشت
با دوستان فاطمه، لطف عمیم داشت
خواندند اهل معرفت او را "نگین ری"
با آن که نام و شهرت "عبدالعظیم" داشت
این گلشن "حسن" این عاشق "حسین"
با مهر و عشق و عاطفه عهدی قدیم داشت
گل واژه حدیث از آن لعل جان فزا
عطر بهار وحی و صفای نسیم داشت
از محضر سه حجت معصوم فیض برد
یعنی که ره به چشمه فوز عظیم داشت
مثل کبوتران حرم خانه "رضا"
روحی در آستان ولایت مقیم داشت
شاگرد پاک باخته مکتب "جواد"
دستی پر از کرامت و طبعی کریم داشت
از پر تو هدایت "هادی" اهل بیت
راهی به آستان خدای رحیم داشت
ایمان خویش را به امامش ارائه کرد
با آن که جان روشن و قلب سلیم داشت
با خاندان وحی پل ارتباط بود
با اهل بیت رابطه ی مستقیم داشت
طور تجلی سه امام همام را
چون درک کرده بود، مقام کلیم داشت
شب تا به صبح شعر "شفق" را مرور کرد
مرغ سحر که زمزمه "یا کریم" داشت

ای بلندای عشق قامت تو
 خاک بوس سیادت تو زمین
 آسمانی ترین مسافر خاک
 ای ذراری حضرت زهرا
 افتخارت همین بس ای والا
 بس که بودی تو فاطمه سیرت
 در سماوات چون ستاره شدی
 نور توحید در نگاهت بود
 ذکر تحلیل با تکان لب
 ای روایت گر هدایت ها
 بس که در عشق مستدامی تو
 تا لبست عرضه ای ز دین کرده
 اعتقادات ز بس که بنیادبست
 بهر تحسین تان بگفت آقا
 تو غرور اصالتی منی
 آبرودار خاک مایی تو
 تو صفا بخش دین و آیینی
 ملک ری از تو آبرو دارد
 چه بگویم ز قدر والایت
 وصفت این بس ز بس عظیمی تو
 شاه زاده! گدای خود دریاب
 پیرمرد عصا به دست حجاز!
 قبله خاک ما شده حرمت
 هر دمی از زمانه دل گیرم
 ای قرار دل هوائی من
 ای به دل دادگان تو نور عین
 کوی تو رنگی از خدا دارد

ای سلام خدا به ساحت تو
 جایگاهت ولی به عرش برین
 قدر و شان تو کی شود ادراک
 بنده‌ی با ارادت زهرا
 باشی از نسل سیدالنجبا
 مصطفایی منش علی صولت
 تو ابالقامسی دوباره شدی
 تربت عشق سجده گاهت بود
 چشمه‌ی نور در نماز شبت
 راوی صادق روایت ها
 دست بوس چهار امامی تو
 معرفت پیش تو کم آورده
 صله اش لطف حضرت هادیست
 انت انت ولینا حقا
 حُسن محضی حسین در حسنی
 صاحب ملک خون بهایی تو
 عزت سرزمین باکینی
 پای تو هست خویش بگذار
 چه بگویم ز شان عظامت
 حضرت سیدالکریمی تو
 رهگذر! خاک پای خود دریاب
 یک نظر سوی خاکیان انداز
 چشم امید ماست بر کرم
 راه صحن تو پیش می گیرم
 مرهم زخم کربلایی من
 ای نگار همیشه شکل حسین
 خاک تو بوی کربلا دارد

احضار امام صادق (ع): سید ابن طاروس روایت کرده است روزی منصور ملعون در آن ایامی که امام صادق (ع) را از مدینه به بغداد طلبیده بود، به ربیع حاجب گفت: می‌خواهم بروی و جعفر بن محمد را در هر حالتی که بود بیاوری و نگذاری او هیئت و لباسش را تغییر دهد. ربیع گوید: بیرون آمدم و گفتم: انا لله و انا الیه راجعون، هلاک شدم، زیرا که اگر امام را در این وقت نزد این لعین ببرم با این شدت غضبی که دارد، او را خواهد کشت و آخرت من نیز از دستم می‌رود، ربیع به پسرش محمد می‌گوید: برو نزد جعفر بن محمد و از دیوار خانه او بالا رو و بی‌خبر به سرای او داخل شو، و در هر حالتی که او را دیدی بیاور، محمد گوید: پس آخر آن شب به منزل امام (ع) رسیدم، نردبانی گذاشتم و به خانه او بی‌خبر وارد شدم، دیدم مشغول نماز است، وقتی نمازش تمام شد گفتم: بیا که خلیفه تو را می‌طلبید، فرمود: بگذار دعا بخوانم و جامه بپوشم، گفتم: نمی‌گذارم، فرمود: بگذار بروم و غسلی کنم و مهیای مرگ گردم، گفتم: اجازه ندارم و نمی‌گذارم. پس آن پیرمرد ضعیف را با یک پیراهن و سر و پای برهنه با خود آوردم، وقتی مسافتی از راه را آمد ضعف بر او غالب شد، من دلم سوخت، لذا او را بر اسب خود سوار کردم، تا به در قصر خلیفه رسیدم؛ پدرم بیرون آمد، چون نظرش بر امام (ع) افتاد و او را بر این حال مشاهده کرد گریست، زیرا که ربیع ارادت بسیار به خدمت حضرت داشت و آن بزرگوار را امام زمان می‌دانست، حضرت فرمود که: ای ربیع می‌دانم که تو از میان ما هستی، پس کمی مهلت بده که دو رکعت نماز بخوانم و با پروردگار خود مناجات کنم، پدرم گفت: آنچه می‌خواهی انجام بده و بعد از نماز دست آن حضرت را گرفت و داخل ایوان کرد، امام (ع) در میان ایوان نیز دعائی خواند. چون نظر آن ملعون بر امام افتاد، از روی خشم و کین گفت: ای جعفر تو ترک نمی‌کنی حسد و بغض خود را بر فرزندان عباس؟ و هر چند سعی می‌کنی در خرابی ملک ما فایده ندارد، حضرت فرمود: به خدا سوگند هیچ یک از این کارها را که می‌گوئی نکرده‌ام، و تو خود

شهادت حمزه سیدالشهدا: حمزه بن عبدالمطلب، عموی پیامبر گرامی اسلام (ع) دو سال پیش از ولادت رسول خدا (ص) دیده به جهان گشود. در میان جوانان قریش در دلاوری و بزرگواری برجسته و در آزاد اندیشی، آزادمنشی و ستم ستیزی سرآمد بود. سلحشوری و توان رزمی وی همزمان با آغاز دوره جوانی نمودار شد. آن آزاد مرد، حتی پیش از پذیرش اسلام، از رسول خدا (ص) در برابر آزارهای مشرکان حمایت می‌کرد، گرویدن وی به اسلام موجب قوت دین خدا شد؛ زیرا پس از آن مسلمانان از انزوا بیرون آمدند و مشرکین با شناختی که از قدرت و تواناییهای حمزه داشتند مجبور شدند از آزارهای خود بکاهند و رفتارشان با رسول خدا و مسلمانان ملایم تر شد.

در تفسیر قمی (ج ۲، ص ۱۸۸) ابن ابی الجارود از امام باقر (ع) نقل می‌کند که آیه (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا بَدِيلًا). در باره حمزه، جعفر و علی (ع) نازل گردیده است. منظور از «مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» حمزه و جعفر و منظور از «مَنْ يَنْتَظِرُ» علی بن ابی طالب (ع) است. ابن حجر مکی نقل می‌کند امیرمؤمنان (ع) در کوفه بر فراز منبر بود که از ایشان درباره این آیه پرسیدند. حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ غُفْرًا» این آیه در باره من و عمویم حمزه (ع) و پسر عمویم عبیده نازل شده است که عبیده در بدر و حمزه در احد به شهادت رسیدند و اما من منتظر شقی ترین این اتمم تا محاسنم را از خون سرم خضاب کند. این پیمانی است که حبیبم ابوالقاسم (ع) از آن خبر داده است.

در آستانه رحلت پیامبر وقتی حضرت زهرا (س) بی تاب می‌کرد پیامبر (ص) به او فرمود: دخترم؛ ما اهل بیتی هستیم که خداوند شش صفت و ویژگی را بر ما عطا کرده است که بر هیچ یک از گذشتگان و آیندگان عطا ننموده است؛ زیرا پیامبر ما سید انبیا و مرسلین است و آن پدر تو

است و وصی ما سید اوصیا است و آن همسر تو است و شهید ما سیدالشهدا است و آن حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر تو است. فاطمه (علیها السلام) گفت: ای رسول خدا، آیا او فقط سید شهیدانی است که با وی به شهادت رسیده اند؟ پیامبر فرمود: نه، بلکه او سید شهادی اولین و آخرین، بجز انبیا و اوصیا است. « کمال الدین، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۳ » با توجه به مضمون این حدیث، معلوم می‌شود که هم حضرت حمزه و هم حضرت حسین بن علی (علیهم السلام) برای همیشه، از افتخار « سید الشهداء » بودن برخوردارند.

حمزه یکی از چهار سوار در قیامت است: مرحوم صدوق (رحمه الله) در ضمن حدیثی از رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند: در قیامت همه پیاده هستند بجز چهار تن. عباس بن عبدالمطلب عرض کرد: ای رسول خدا، آن چهار تن کدامند؟ فرمود: اول من سوار بر براق خواهیم بود... و عمویم حمزه بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسول و سید شهدا بر شتر غضبای من سوار خواهد شد. و برادرم علی (ع) بر شتری از شتران بهشتی. « الخصال، باب الأربعة »

در بصائرالدرجات از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت در باره تعداد انبیا و تعداد پیامبران اولوالعزم و اینکه هر پیامبری دارای وصی بوده، سخن گفته و آنگاه به خصوصیات خود و خاندانش اشاره می‌کند و در ضمن آن می‌فرماید: در قائمه عرش نوشته شده است که حمزه بن عبدالمطلب شیر خدا و شیر رسول الله (ص) است و او سید الشهداء است. « بصائرالدرجات، ص ۳۴؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۷ »

حضرت حمزه (ع) توسط وحشی غلام هند؛ همسر ابو سفیان در جنگ احد به شهادت رسید و بعد از شهادت توسط آن ملعونه به بدترین شکل ممکن مثله شد و پیامبر از شهادت او بسیار محزون گردید.